

تدوین یک مدل ساختاری آموزشی بر اساس باب تربیت بوستان و گلستان سعدی

در راستای صلح و دوستی

آسیه قالیباف^۱

چکیده

سعدی شاعر اجتماعی و همدرد و همدل با انسانهاست که افراد را گرمای داشته و به شفقت فرا می‌خواند و خودبینی و خودپرستی در نظر او مردود است. سعدی به گواهی آثارش به ویژه بوستان و گلستان، بیش از اغلب شاعران و سخن‌راویان خاور زمین در بند تعلیم و تربیت افراد و صلح‌گرایی بوده و نظریات تربیتی و اخلاقی خود را به وجهی پیگیر و جدی و در عین حال روشن و رسا بیان می‌کند. همچنین، از بیان دیدگاه‌های تربیتی برای کودکان نیز غافل نشده است؛ به طوری که مسائل بنیادی تدبیر فرزندان مورد توجه جدی اوست و در سخنان وی می‌توان روش تعلیم و تربیت آموزش مسائل نظری و عملی و انتخاب همنشین مناسب در جهت صلح و دوستی را به روشنی بازشناخت. در این نوشتار، با توجه به گستردگی نگاره در این باب تنها سخنان این معلم اخلاق و عواملی که در آموزش و پرورش بهتر موثر است، بیان می‌شود. در نوشتار پیش رو سعی گردیده است که برخی جوانب دیدگاه شیخ اجل درباره تعلیم و تربیت شامل محیط، توارث، نقش اختلافات فردی، تأثیر کسب علم و دانش در رفتار، زمان یادگیری و همچنین تأثیر زمان یادگیری کودکان و نوجوانان در جهت صلح و دوستی، مختصر و کوتاه مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سعدی، تعلیم و تربیت، یادگیری، آموزش و پرورش، صلح و دوستی



۱. مقدمه

امروزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی به منزله مسئله اساسی در نظام آموزش و پرورش هر کشور مطرح است، به طوری که میزان پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان به مثابه یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام‌های آموزشی و موفقیت در فعالیت های علمی و حتی صلح پذیری جوامع مورد توجه دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است. از نگاه دیگر، پیشرفت تحصیلی همواره برای معلمان، دانش‌آموزان و یادگیرندگان، والدین، نظریه پردازان و محققان تربیتی حائز اهمیت بوده است. آموزگاران همواره در پی یافتن بهترین راه و روش های آموزشی هستند تا به کمک آن یادگیرندگان ای داشته باشند که نه تنها مطالب ارائه شده در کلاس درس را به خوبی درک کنند، بلکه در امور تحصیلی خود انگیزگی فعال، علاقمند و موفق باشند؛ چرا که فارغ از همه مسائل، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان به منزله یکی از مهمترین ملاک های تعیین شایستگی معلمان و ارزیابی عملکرد آنان مطرح است و میتواند اثر به سزایی در خصوص خصلت صلح دوستی در دانش آموزان و معلمان داشته باشد (آزادی، ۱۳۷۳). از سویی هم، مسئله تربیت، مسئله حیات و ممات ملت‌هاست؛ اساس آن در خانواده گذاشته می‌شود و در مدرسه و جامعه تکمیل می یابد. به صراحت می‌توان گفت که مفهوم پیشرفت باغ بندگی را از هر دیدی که بنگری محصول تربیت است. قومی پیشرفته است که تربیت آن پیشرفته باشد و قومی عقب مانده که تربیت آن عقب مانده باشد و ملتی میتواند در صلح جهانی پیشکسوت باشد که صلح را در حیات خود تعلیم دیده و درک کرده باشند و این هم از نظر مادی، هم از نظر معنوی قابل تبیین است (باقری، ۱۳۸۶)



هنر سعدی این است که با مهارت و هنرنمایی توانسته است فضایل و نصایح اخلاقی را در قالب جمله های زیبا، شیوا، رسا و لطیف و مسج بریزد تا کسی که مطالعه می کند خسته نشود و از قبول آن سر باز نزند. وی به تربیت اخلاقی تأکید فراوان کرده و هدف از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نزول قرآن را تربیت اخلاقی و تحصیل سیرت خوب و صلح بین جوامع بشری ودوستی عرب و عجم دانسته و رذایل اخلاقی را عامل سقوط جوامع و کاهش صلح و اشتی انسانها و جوامع انسانی و از بین رفتن صلح و آرامش مردم جهان و در جهنم سوزان و دائم به حساب آورده و در این زمینه چنین اظهار کرده است: مراد از نزول قرآن، تحصیل سیرت خوب است، نه ترتیل سورت مکتوب. عامی متعبد پیاده رفته است و عالم متهاون سوار خفته (رستگار، ۱۳۸۳). همچنین، گویند بد خوی به دست دشمن گرفتار است که هر جا رود از سنگ و بطری خلاص این یابد اگر ز دست بلا بر فلک رود، بدخوی به دست خوی بد خویش در بلا باشد (رستگار، ۱۳۸۳).

۲. بحث و بررسی

سعدی حکیمی است فرزانه، عارفی است وارسته، نویسنده ایست مردمی، شاعری در حد اعلای فصاحت و بلاغت که آثار وی چه منظوم و چه منثور در برگرفته اندیشه های والای تربیتی این اندیشمند توانا و عارف روشن ضمیر و معلم اخلاق است. آشنایی سعدی با فرهنگ و معارف اسلامی، جلوه ای خواص به آثار گران سنگ وی بخشیده است. او به عنوان یک فیلسوف ارزشمند به بررسی اخلاق و روش آن در مناسبات انسانی و اجتماعی و صلح جوامع می پردازد. این شاعر بزرگ چون یک جامعه شناس ژرف اندیش به تحلیل و توصیف رفتارهای اجتماعی انسان می پردازد و بخش عمده مباحث تربیتی این ادیب فرزانه را اخلاق تشکیل می دهد. در این مبحث



وی تنها یک موعظه کننده یا توصیف کننده نیست، بلکه سعی دارد که مفاهیم زیبای اخلاقی را با تکیه بر قدرت قلانی و معنوی انسانها مورد ارزیابی قرار دهد و راه را برای ساختن انسان های نونه و جامعه ایده آل وصلح و آرامش جوامع انسانی فراهم سازد. وی در بیان بعضی از مسایل تربیتی چون تأثیر عوامل ارثی و محیط در رفتار فرد، نقش تنبیه و تشویق در تغییر رفتار دانش آموز، از وظایف معلمان و رسالت اندیشمندان و راهنمایان جامعه در تحکیم ارزش های انسانی و معنوی بسیار موشکافانه و دقیق برخوردار می نماید. علاوه بر تأثیر محیط و وراثت در پرورش انسان ها، عوامل دیگر چون تفاوت های فردی، تمایلات و خواسته ها و نیازهای افراد و تجربیات گذشته را نیز موثر می داند. در تربیت اخلاقی شناخت میزان های اخلاقی و انتخاب اصول صحیح تربیتی و رعایت موازین انسانی و اخلاقی و صلح بین ملتها در زندگی روزمره سعدی جایگاه بسیار مهم و اساسی دارد؛ یعنی کار مربی این است که به فرد کمک کند تا خود به تدریج خوب و بد را تشخیص دهد، با موازین اخلاقی آشنا گردد، میزان های اساسی را انتخاب کند و عملاً رفتارهای خویش را با این موازین هماهنگ سازد و بتواند صلح و آرامش را به انسانهای یده کند و به مرحله تکامل روحی و معنوی نائل شود. هدف اساسی تعلیم و تربیت این است که انسان آن گونه تربیت شود که بتواند خویش را کنترل و اداره نماید. تقویت دنده های عقلانی شخصیت انسان اساس و پایه هدف تربیت را تشکیل می دهد. رشد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و حتی تربیت دینی به طور گسترده و همگانی بر سایه جنبه عقلانی شخصیت شکل می گیرد. خداوند برای هدایت انسانها دو حجت برای انسان قرار داده است: قدرت ظاهر که همان انبیا و هدایت ایشان و حجت باطنی که همان عقل یا قدرت تشخیص آدمی است. سعدی در آثار گرانسنگ خویش بر پرورش روحی و روانی افراد و نقش عقل در تکامل آدمی و صلح و آرامش افراد بسیار تأکید دارد.



مفهوم شناسی

تربیت اخلاقی، بعدی از تربیت است که هر فرد برای خود و شاید بیش از آن برای فرزندان خود می‌طلبد و جوایای طریق و روشی است که این مهم را میسر سازد، ولی انجام آن با مشکلات زیادی همراه است و آن کس که در این راه قدم نهاده باشد، به یقین پی برده است که راهی دشوار و پرپیچ و خم در پیش دارد و این نوع تربیت، خواسته و یا ناخواسته جریان دارد و نمی‌توان آن را به مکانی خاص محدود کرد. فضایل اخلاقی عبارت است از: رسیدن خیر به شخص و این ممکن نیست مگر آنکه انسان ابتدا خیر را برای دیگران بخواهد (سعدی، ۱۳۸۵)

نکته های بنیادین در تربیت اخلاقی و صلح رامش از دیدگاه سعدی

سعدی بر دو نکته بنیادین در تربیت اخلاقی تأکید کرده است:

۱- زمان آغاز تربیت اخلاقی: سعدی نفس آدمی را خوب می‌شناسد و بر این باور است که تربیت اخلاقی باید از آغاز کودکی شروع شود، زیرا اگر خوی بد در نفس آدمی استقرار یافت، به آسانی نمی‌توان آن را پاک ساخت.

خوی بد در طبیعتی که نشست ندهد جز به وقت مرگ از دست (سعدی، ۱۳۷۷)

۲- استعانت از دانایان: سعدی تربیت اخلاقی را به داشتن مری متوقف دانسته، برای مری اخلاق شرایط ویژه ای قائل شده است و می‌گوید مری اخلاق علاوه بر اهل فضل و معرفت بودن باید اهل عمل صالح، راست گفتار، درست کردار نیز باشد و بیش از دیگران نفس خود را تربیت کرده و بر نفس خود غالب شده باشد.

ای که دانش به مردم آموزی آنچه گویی به خلق، خود بنیوش

خویشتن را علاج می‌کنی باری از عیب دیگران خاموش (رستگار، ۱۳۸۳).



دامن آلوده اگر خود همه حکمت گوید به سخن گفتن زیباش بدان به نشوند
وانکه پاکیزه رود گر بنشیند خاموش همه از سیرت زیباش نصیحت شنوند
(رستگار، ۱۳۸۳).

اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

خداجویی

یکی از ویژگی‌های انسانی، خداجویی است. سعدی با استناد به آیه ۲۹ سوره حجر^۱ بر این باور است که در درون آدمی گوهری تعبیه شده است که او را به خدا می‌رساند، به شرط اینکه دل را از غبار تیرگی و خودپرستی به دور دارد تا نور خداوندی در آن بتابد که از آدمی تا خدا بیش از یک قدم راه نیست.
جوامردا از تو تا خدا یک قدم راه است دانی چه کنی، بگویم یا نه؟ خود را فراموش کن و به لطف حق دست در آغوش کن (رستگار ۱۳۸۳).

از دل برون شو ای غم دنیا و آخرت یا خانه جای رخت بود یا مجال دوست
خواهم که بیخ صحبت اغیار برکنم در باغ دل رها نکنم جز نهال دوست...
سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار زنگار خورده چون بنماید جمال دوست
(رستگار، ۱۳۸۳).

یگانه پرستی و پرستش خدا

شیخ اجل سعدی در باب هفتم گلستان در باب «تأثیر تربیت» می‌فرماید: حکایت یکی را شنیدم از پیران مری که مریدی را همی گفت: ای پیر چندان که تعلق خاطر آدمیزاده به روزی است، اگر به روزیده بودی به مقام ملائکه درگذشتی.
۱. «وَوَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»



فراموش نکرد ایزد در آن حال، که بودی نطفه ای مدفون و مدهوش، روانت داد و طبع و عقل و ادراک، جمال و نطق و رای و فکر و هوش، ده انگشت مرتب کرد بر کف، دو بازویت مرکب کرد از دوش، کنون پنداری ای ناچیز همت، که خواهد کردنت روزی فراموش (سعدی، ۱۳۷۷).

این حکایت نمونه ای از اهمیت دادن شیخ اجل سعدی به خداشناسی و پرستش ذات اوست. مری باید روحیه خداپرستی و عبودیت را در متعلمین ایجاد کند و حبّ خداپرستی و بندگی را در سایه علم و عمل در متعلم به وجود آورد.

خدمت به خلق

خدمت به خلق پاسخگویی برای نیازهای انسان های ممنوع و برادران هموطن است. پیامبران الهی که برای ایفای رسالت از سوی ذات باری تعالی مبعوث شدند، حرفی جز خدمت به انسان ها و هدایت آنان به ذات الهی و رساندن به سعادت نداشتند. تعلیم و تربیت کودکان و جوانان و انتقال مفاهیم علمی و آموزش عملی، خود نوعی خدمت به فرزندان جامعه و خلق است.

شیخ اجل سعدی در باب اول کتاب بوستان می فرماید:

طریقت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلچ نیست

تو بر تخت سلطانی خویش باش به اخلاق پاکیزه درویش باش

به صدق و ارادت میان بسته دار ز طامات و دعوی زبان بسته دار

قدم باید اندر طریقت نه دم که اصلي ندارد دم بی قدم

بزرگان که نقد صفا داشتند چنین خرقة زیر قبا داشتند (سعدی، ۱۳۸۷)

عبادت خداوند تبارک و تعالی فقط به خواندن نماز و تسبیح و دلچ نیست، بلکه



کَمْک به مردم هم از دیدگاه سعدی عبادت محسوب می شود. سعدی به افرادی که عبادت را فقط در گوشه ای نشستند و یا مراجعه به مساجد و نماز خواندن می دانند، اعلام می کند که خدمت به خلق هم عبادت است. این رأی و نظر را شاید با توجه به شرایط زمان خود، که ریا و سالوس دینداری بوده است، عنوان می کند و درباره این موضوع آگاهی می دهد.

اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

مربیان، معلمان و اولیای متریان و برنامه ریزان تعلیم و تربیت برای دستیابی به مقاصد و اهداف تعلیم و تربیت، باید قواعد و اصولی را پایه و اساس تعلیم و تربیت و صلح بین افراد جوامع بشری است قرار دهند و روش های مناسب آن اصول را برگزینند تا به اهداف مورد نظر برسند. در اینجا به برخی اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی اشاره می شود.

نوع دوستی و برادری

شیخ اجل در اشعار و ابیات و حکایات زیادی یکی از اهداف تربیتی و اخلاقی را نوع دوستی و برادری می داند. مانند این ابیات معروف:

بني آدم اعضاي يکديگرند که در آفرینش ز يك گوهرند

چو عضوي به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی (سعدی، ۱۳۷۷).

مبارزه با خواسته های نفسانی

مبارزه با نفس و خواسته های آن در اشعار سعدی، نشانگر توجه او به تربیت اسلامی و رعایت احکام آن در پیروی از فرامین الهی است:



پدر چون دور عمرش منقضي گشت مرا این یک نصیحت کرد و بگذشت
که شهوت آتش است از وی بپرهیز به خود بر آتش دوزخ مکن تیز
در آن آتش نداری طاقت سوز به صبر آبی بر این آتش زن امروز

نفس اماره تعادل عقل را به هم می زند و در میدان تمایلات و خواسته های نفسانی تازه می شود و کسی جلودارش نیست؛ زیرا ارضای خواسته های نفسانی با توجه به طبیعت ما پایانی ندارد و در صورتی که به نفس اماره لبیک گفته شود، همواره «هل من مزید» می طلبد و این تعلیم و تربیت است که قوای عقلانی را تقویت و عقل را بر خواسته های نفسانی حاکم می کند. بنابراین، چنانچه حکومت عقل بر نفس به عنوان یک هدف تربیتی تلقی شود، سلامت جامعه تضمین می شود. جامعه ای که عقل بر آن حاکم شود، از هر گونه فساد خالی است، اگرچه ظاهراً چنین جامعه ای ایده ال است، ولی انسان باید برای رسیدن به یک جامعه ایده ال تلاش کند.

تذکر

اصل تذکر بیانگر آن است که گاه باید آنچه را فرد به آن علم دارد برای او باز گفت. طبق اصل حاضر، این سخت مردود است که گفتن یا شنیدن همواره باید معطوف به «حرف تازه» باشد.

پاره ای از دشواری های انسان زاده نادانی و پاره ای دیگر زاده نسیان و فراموشی است (میرزا محمدی، ۱۳۸۴). طبق اصل تذکر، روش های تربیتی باید چنان فراهم آیند که به آگاهی های فرد طراوت و تحرک بخشند و رغبت عمل را برانگیزند. روش و شیوه مهم ابراز آن عبرت آموزی و موعظه و پند و اندرز است و سعدی هم از این دو روش استفاده کرده است. سعدی در بوستان و گلستان از روش موعظه و نصیحت بهره جسته و با لحنی صمیمی گروه های مختلف مردم را نصیحت و آنان را به نیکی و فضیلت و صلح و دوستی و آرامش دعوت کرده است.



نصیحت که خالی بود از غرض چو داروي تلخ است، دفع مرض
 سعدي از روش عبرت آموزي در نظم و نثر استفاده کرده است و ما را به عبرت
 آموزي فرامي خواند.

او درباره عبرت آموزي از زندگي گذشتگان، رویدادهای تکوینی و اجتماعی، ناپایداری
 دنیا، رویش گیاهان و فرسایش طبیعت و مرگ انسان ها سخن می گوید.
 این همه رفتند و مای شوخ چشم هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار

تدریج و تداوم

سعدي بر این باور است که تدریج و تداوم از اصول مسلم تربیت نفس است و
 پیوسته باید از آینه نفس غبارزدایی شود؛ در غیر این صورت توقع صفای نفس بیهوده
 است.

بدیهی است که انجام يك و یا چند عمل نيك نمی تواند شخصیت آدمی را بسازد،
 بلکه تداوم و تکرار رفتار و کردار به تدریج و در طول زمان شخصیت او را قالب می زنند.

پیای بیفشان از آئینه گرد که مصقل نگیرد چو زنگار خورد (سعدي، ۱۳۸۷).

تأمل در آئینه دل کنی صفای به تدریج حاصل کنی (سعدي، ۱۳۸۷).

او درباره عدم تداوم، تکرار و تدریج می گوید:

به چشم خویش دیدم در بیابان که آهسته سبق برد از شتابان

سمند بادپای از تک فرو ماند شتربان همچنان آهسته میراند (سعدي، ۱۳۷۷).

و می گوید: کسی که هر بار کم می خورد و به کم خوردن عادت می کند،
 کمخوری برای او طبیعت ثانوی می گردد و هنگامه سختی را به آسانی تحمل می کند.



اعتدال

عدالت و عادلانه رفتار کردن، صفتی الهی است. در خانواده و در تربیت فرزند نیز عدالت نقش مهمی دارد. والدین باید میان فرزندان خود تفاوت و تبعیض نهند و از تمام جهات با آنان عادلانه رفتار کنند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: میان فرزندان (در پنهانی و ظاهر) مساوات و عدالت برقرار کنید، همانطور که دوست دارید در خوبی ها و نیکی ها با شما به عدالت رفتار شود.

سعدی در مورد رعایت عدالت، در محبت کردن به فرزندان می گوید: «ملك زاده ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادرانش بلند و خوبروی، باری پدر به کراهت و استحقار در وی نظر همی کرد. پسر فراست و استبصار به جای آورد و گفت: ای پدر کوتاه خردمندان به از نادانان بلند، نه هرچه به قامت مهتر به قیمت بهتر» (سعدی، ۱۳۷۷).

از نظر سعدی، تفاوت های ظاهری نباید باعث شود که والدین در محبت کردن به فرزندان خود عدالت را رعایت نکنند. محبت و مهربانی و احترام به کودک شایسته و پسندیده است، اما پدران و مادران و مربیان باید بدانند که افراط و تفریط در این مورد، مضر خواهد بود.

روشهای رسیدن به اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

روش های تعلیم و تربیت پس از تعیین اهداف آن اعمال می شود، روش باید حساب شده و کاربردی و همه جانبه تدوین شود. مربی با ارائه روش درست می تواند به اهداف تعیین شده برسد.

سعدی در مجموعه آثار خود، در قالب حکایات و داستان ها به روشهایی تأکید داشته است که در این قسمت به پاره ای از آنها اشاره و در صورت لزوم اشعار و حکایات کتاب های گلستان و بوستان و سایر آثار سعدی به تناسب، ارائه می شود تا



برای پژوهشگران و خوانندگان محترم شیوه و روش کار سعدی تا حدودی مشخص شود. این رویکرد و روش سعدی، موجب تقویت صلح و دوستی در جوامع می شود.

فروتنی و تواضع

سعدی باب چهارم کتاب بوستان را به نام «تواضع» نامگذاری کرده است و در حکایتی می گوید:

بزرگان نکردند در خود نگاه	خدابینی از خویشتن بین مخواه
بزرگی به ناموس و گفتار نیست	بلندی به دعوی و پندار نیست
تواضع سر رفعت افرازدت	تکبر به خاک اندر اندازدت
به گردن فتد سرکش تندخوی	بلندیت باید بلندی مجوی (سعدی، ۱۳۸۷).

سعدی انسانی را که فاقد تواضع است، حتی اگر به زیور علم و هنر و ایمان نیز آراسته باشد، تأیید نمی کند و داشتن تواضع را در معنی پذیرفتن نقاط ضعف و کوشش در رفع و اصلاح آنها دانسته و این موضوع را شرط رسیدن به مقام انسانیت تلقی می کند:

کله گوشه بر آسمان برین	هنوز از تواضع سرش بر زمین
گدا گر تواضع کند خوی اوست	ز گردن فرازان تواضع نکوست
اگر زیردستی بیفتد چه خاست؟	زیر دست افتاده مرد خداست

در خاک بیلقان برسیدم به عابدی گفتم: مرا به تربیت از جهل پاک کن
گفتا: برو چو خاک تحمّل کن ای فقیه یا هرچه خوانده ای همه در زیر خاک کن

(۲۰۱۲; Abesha).



صلح و دوستی با سایر ملل

سی سال زندگی دور از شیراز و سیاحت در کشورهای مختلف علاوه بر اینکه سعدی را با آداب و رسوم و زندگی ملل دیگر آشنا کرد، صلح و دوستی با آنها را هم به عنوان یک هدف تربیتی در آثارش نمودار ساخت. سعدی در تمام گلستان و بوستان از زبان مردم و ملل دیگر سخن می گوید: «در جامع بعلبک وقتی کلمه ای همی گفتم به طریق وعظ با جماعتی افسرده دل مرده، ره از عالم صورت به عالم معنی نبرده، دیدم که نفسم در نمی گیرد، و آتشم در هیزم تر اثر نمی کند دریغ آمدم تربیت ستوران و آینه داری در محلت کوران، ولیکن در معنی باز بود و سلسله سخن دراز. در معانی این آیت که «نحن اقرب الیه من جبل الوریث» سخن به جایی رسانیده که گفتم: دوست نزدیک تر از من به من است، وینت مشکل که من از وی دورم، چه کنم با که توان گفت که او، در کنار من و من مهجورم» (سعدی، ۱۳۷۷).

بسیاری از حکایت های سعدی، حاصل از تجربیات او در سی سال سفر در میان ملل مختلف دنیا است. بنابراین، می توان دوستی و صلح با ملل و جوامع دیگر را به عنوان هدف تربیتی تلقی نمود.

ابراز محبت

محبت علاوه بر اینکه نیاز طبیعی انسان است، مهمترین عامل سلامت روح او نیز به شمار می رود و فقدان آن موجب ناهنجاری های روانی است. بنابراین، تعلیم و تربیت مبتنی بر اصل محبت، سازنده و موفق و تأثیرگذار خواهد بود. در نظر سعدی، نه تنها انسان بلکه همه موجودات زنده از نبات و حیوان حق دارند که مورد مهرورزی قرار گیرند:

به اخلاق با هر که بینی بساز اگر زیر دست است و گر سرافراز (سعدی، ۱۳۸۷).



رفتگان را به لطف باز نه به چنگش بهتر بیازارند (سعدی، ۱۳۸۷).

آنچه در تعلیم و تربیت اهمیت دارد دلبستگی متقابل مری و مترقی است و ابراز محبت نیز برای پیدایش دلبستگی است و دلبستگی متقابل برای معلم و متعلم ایجاب می کند که بدون پرده پوشی عیوب و کاستی ها بیان شود و راه کمال مسدود نشود، نه اینکه عیب را هنر بنمایانیم.

تلفیق علم و عمل

مری و معلم چه به تدریس اخلاق بپردازد و چه به آموزش مطالب علمی همت بگمارد، باید گفتار و کردار او هماهنگ باشد. معلم باید در زمینه اخلاقی نمونه باشد و آنچه را که توصیه می کند عملاً در رفتار خود منعکس سازد. علاوه بر این، در برخورد با مسائل علمی نیز معلم باید روح عملی یا تفکر علمی را در رفتار خود منعکس سازد. او باید از اظهار نظرهای سطحی، تحجر، تعصب و برخورد غیر منطقی با مطالب پرهیز کند.

آنچه از تحقیقات تربیتی به دست آمده، مؤید این حقیقت است که شاگرد از عمل مری پیروی می کند و در موقع ناسازگاری گفتار با کردار، آنچه در رفتار شاگرد و آموزش صلح پذیر بودن او تأثیر دارد، عمل معلم است. اصولاً اعتبار معلم نزد شاگرد به هماهنگی گفتار و کردار بستگی دارد.

سعدی در حکایت ۳۷ گلستان به این نکته اشاره کرده است:

«شخصی پدر را گفت: هیچ از سخنان متکلممان در من اثر نمی کند. سبب آن که نمی

بینم از ایشان کرداری موافق گفتار.»

ترك دنیا به مردم آموزند خویشتن سیم و غله اندوزند

علمی را که گفت باشد و بس هرچه گوید نگیرد اندر کس



عالم آن کس بود که بد نکند نه بگوید به خلق و خود نکند (سعدی، ۱۳۷۷).
 از نظر سعدی، علمی که با عمل توأم نباشد، نمی تواند در جامعه مؤثر باشد. «عالم
 بی عمل درخت بی ثمر است» (سعدی، ۱۳۸۷).

پند و اندرز

در کتاب گلستان، باب هشتم در آداب صحبت، بیشتر مطالب جنبه پند و اندرز و نصیحت دارد و در حقیقت این فصل شاید منشوری باشد در زمینه پند و اندرز که هر جمله آن دنیایی معنی به دنبال دارد که در اینجا به مواردی از آن اشاره می شود.
 دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند، یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگر آنکه آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی
 نه محقق بود نه دانشمند چارپایی بر او کتابی چند
 آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر (سعدی، ۱۳۷۷).

علم از بهر دین پروردن است، نه از بهر دنیا خوردن (سعدی، ۱۳۷۷).
 هرکه پرهیز و علم و زهد فروخت خرمنی گرد کرد و پاک بسوخت (سعدی، ۱۳۷۷).
 در این حکایت می فرماید: علم باید بهره دهد و زکات آن انتشار است و تمام تلاش های کسی که بیاموزد و عالم بشود و خرمنی برای خود فراهم کند و از علم بهره ندهد بر باد می رود.
 مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال. عاقلی را پرسیدند
 نیکبخت کیست و بدبختی چیست؟ گفت: نیکبخت آن که خورد و کشت و بدبخت آن
 که مرد و هشت.



مکن نماز بر آن هیچکس که هیچ نکرد که عمر در سر تحصیل مال کرد و نخورد.

ملك از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد.

پادشاهان به صحبت خردمندان در آن محتاجترند که خردمندان به قربت پادشاهان.

پندی اگر بشنوی ای پادشاه، در همه عالم به از این پند نیست، جز به خردمند مفرما عمل، گرچه عمل کار خردمند نیست.

به دوستی پادشاهان اعتماد نتوان کرد و بر آواز خوش کودکان که آن به خیالی مبدل

شود و این به خوابی متغیر گردد (سعدی، ۱۳۷۷).

می بینیم که سعدی تمام این نصایح را به عنوان روش کاربردی و نافذ بیان می کند.

بیان سرگذشت اقوام و ملل به صورت قصه و داستان

بیان مسائل از زبان قصه و داستان روشی دلپذیر برای متعلم است. شیخ اجل

سعدی در آثار خود از این روش استفاده کرده است. او در حکایتی در باب هفتم

بوستان داستان مردی را بیان می کند که در هنگام جنگ ناسزا گفت و چون نتوانست

جلو زبان خود را بگیرد، دچار آفت و زیان شد. سعدی در این داستان در اثبات «زبان

سرخ سر سبز می دهد بر باد» این چنین نتیجه می گیرد:

(الف) اگر دهان بسته بود اینگونه پریشان پیراهن دریده در گوشه ای نمی افتاد.

(ب) زبان مانند آتشی است و می توان با آبی در نفس کشت.

(ج) هنر خود مبین توانایی مرد است و لازم نیست مرد هنر خود را تبلیغ کند.

(د) مشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید.

(ه) برای ارائه زر مغربی نیاز به سوگند نیست، محک مشخص می کند.

(ز) اگر از سعدی لباس و پوستینش را بدرند، ممکن است ولی طاقت نیست مغزش را ببرند.



و اما آن داستان:

گريبان دريدند وي را به چنگ	يكي ناسزا گفت در وقت جنگ
جهان ديده اي گفتش اي خودپرست	قفا خورده عريان و گريان نشست
دريده نديدي چو گل پيرهن	چو غنچه گرت بسته بودي دهن
چو طنبور بي مغز بسيار لاف	سراسيمه گويد سخن بر گزاف
به آبي توان کشتنش در نفس	نييني که آتش زبان است و بس؟
هنر خود بگويد نه صاحب هنر	اگر هست مرد از هنر بهره ور
ورت هست خود فاش گردد به بوي	اگر مشک خالص نداري مگوي
چه حاجت؟ محک خود بگويد که چيست	به سوگند گفتن که زر مغربي است
که سعدي نه اهل است و آميزگار	بگويند از اين حرف گيران هزار
که طاقت ندارم که مغزم برند (سعدي، ۱۳۸۷).	روا باشد ار پوستينم درند

سعدي نکات اجتماعي را به زبان شعر چنان ترسيم مي کند و براي هر موضوع در يك شعر چنان نتيجه مي گيرد که اگر بنا باشد آن موضوع در صفحات متعدّد تشریح شود، به زيبايي يك بيت او نباشد و اين مهارت توانمندی و استادي سعدي در بيان مسایل است؛ به ويژه اينکه هدف او از ذکر اين داستان، اثبات بعضي از مسایل اجتماعي است که در ميان مردم و در فرهنگ جامعه وجود دارد. سعدي بر آن است تا با روش داستانسرایی و بيان قصه و داستان از زبان ملل به نتایج تربيتي مطلوب و آموزش صلح بين ملتها برسد.

الگوسازی

مربيان و معلّمان و اولياء و بايد با رفتار و کردار و گفتار درست خود الگوسازي



کنند و از این طریق، عملاً متزئیان را به پیروی از رفتار مطلوب خود بخوانند. سعدی به عنوان مری اخلاق از این روش پسندیده بهره برده و الگوهای مطلوب خود را در ضمن بیان حکایات، مدایح و ستایش ها نشان داده و سجایای آنان را ترسیم کرده و عملاً الگوسازی را عینیت بخشیده است.

وی درباره حضرت علی علیه السلام و الگوسازی از آن حضرت می فرماید: «کس را چه زور و زهره که وصف علی کند، جبار در مناقب او گفته هل ائی، زور آزمای قلعه خیبر که بند او، در یکدگر شکست به بازوی لافتی، ... فردا که هر کسی به شفیعی زنند دست، ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی» (رستگار، ۱۳۸۳).

۳. نتیجه گیری

به باور سعدی اگر شخصیت تربیت شونده به طور نامطلوبی شکل گرفته باشد، در آن صورت ایجاد تغییرات در رفتار او مشکل است؛ مگر اینکه زمینه اصلاح را داشته باشد. ایشان گفتار و کردار والدین و معلمان را عامل اصلی در طبیعت کودک و آموزش موازین اخلاقی مثل ادب اخلاق خوب، صلح دوستی و اجتماعی بودن می داند و بر این عقیده است که هماهنگ نبودن گفتار و کردار معلم، باعث عدم پذیرش توصیه های تربیتی و اخلاقی از جانب کودک می شود. همه توجه سعدی در برنامه درسی و تعلیم و تربیت به پرورش اخلاقی است که خود موجب صلح و دوستی است. این مربی بزرگ هم درباره اخلاق صحبت می کند و هم در آثار خود، تربیت به معنای اصطلاحی کلمه را در نظر دارد. وی علاوه بر محیط و توارث عوامل دیگری را نیز در تعلیم و تربیت موثر می داند، از جمله: جوهره هویت شخصی، خواسته ها و تمایلات، تجربه و زمان. در اخلاق چیزی که انسان را از آنچه لازمه آدمیت است دور می کند، مایه نفرت سعدی است. عشق او نیز در حقیقت، اخلاق و تقوا و صلح و درد و سوز و



گذشت و تسلیم است. به عقیده وی، آنهایی که تربیت پذیرند و زمینه گفتار دارند باید تربیت شوند و در پرورش آنان که همه چیز را به سخره می گیرند و یا خودخواهی و عجب موجب عدم تأثیر تربیت در آنان می شود، زحمت بیهوده نباید کشید. سعدی دین را در اعمال عبادی خلاصه نمی داند، بلکه معتقد است که دین سراسر زندگی انسان و تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره را در بر می گیرد. این معلم اخلاق و تربیت به نقش آموزش و پرورش در تربیت کودک واقع بوده و در آثار ارزشمند خود به نقش آموزش در امور مختلف مانند آداب غذا خوردن و رعایت موازین بهداشتی و آموختن کار و حرفه هنر پرداخته است و آموزش این امور به فرزندان را اساسی ترین کارهایی می داند که باید در دوران کودکی به او آموخت تا جزء خلق و خوی شود. به نظر سعدی، منظور از آموزش و پرورش آن است که کودک شما باید با دیانت، صلح جو، پرهیزگار، خردمند و سخندان بار آورند و چنان تربیت کنند که در بزرگی دست حاجت پیش کسی دراز نکنند. وی به این نکته اشاره دارد که تحصیلات به تنهایی کافی نیست، بلکه باید با عمل باشد تا کودک بتواند آن را به خوبی بیاموزد. قبل از سعدی، معصومان علیهم السلام و به خصوص نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله این موضوع را مورد استفاده قرار دادند و مریبان و اندیشمندان معاصر نیز توجه به کودک در سنین خردسالی را عامل موفقیت در بزرگسالی می دانند. سعدی نقش معلم در تربیت کودک را مورد تأکید قرار می دهد و معتقد است، معلم در تدریس نباید از اعتدال خارج شود، بلکه باید سختگیری و گاه ارفاق کند؛ با این حال، تعدیل، تأثیر مربی را در تعلیم و تربیت افرادی که ناامید هستند کأن لم یکن می داند. سعدی به نقش والدین در تربیت کودک تأکید دارد و بر این عقیده است که پدر باید فرزند را از همنشین بد بازدارد و مواظب همنشین و هم بازی او باشد. آموزه های تربیتی و اخلاقی سعدی که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت، موجب تقویت صلح و دوستی در جوامع و در میان جوامع می باشد.



منابع

- ۱- آزادی، محمدکریم (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، تهران: راهگشا.
- ۲- باقری، خسرو (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ هفدهم، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- ۳- رستگار، طاهره (۱۳۸۳)، ارزشیابی در خدمت آموزش: رویکردهای نو در سنجش و ارزشیابی با تأکید بر سنجش مستمر و پویا و بازخورد مؤثر به دانش آموزان در فرایند آموزش، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- ۴- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵). کلیات سعدی، ویراستار: محمدعلی فروغی، چاپ ششم، تهران: نشر افکار.
- ۵- سعدی، مصلح دین (۱۳۷۷)، گلستان، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۶. سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۷)، بوستان، نگارنده اعتذار و منوچهر آدمیت، چاپ اول، تهران: آتلیه هنر.
- ۷- میرزامحمدی، محمدحسن (۱۳۸۴)، فارابی و تعلیم و تربیت، تهران: یسپرون.
- 8- Abesha, A. G. (2012). Effects of parenting styles, academic self-efficacy, and achievement motivation on the academic achievement of university students in Ethiopia. A dissertation submitted in fulfillment of the requirements for the award of Doctor of Philosophy, School of Psychology and Social Science, Faculty of Computing, Health, and Science, Edith Cowan University.